

پیش‌ها و پانچ‌ها

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوبه‌ها شیخ خیر الانبیا حفظه الله تعالی

موضوع:

۱. مقدمات؛ حجت؛ خلیفه‌ی خداوند؛ روایات رسیده از خلفاء خداوند (واحد و متواتر)
۲. مقدمات؛ علم؛ وظایف و اعمال عالمان

بسم الله الرحمن الرحيم

پرسش

نویسنده: موسی

تاریخ: ۱۴۰۲/۲/۲۱

از آنجایی که دفتر علامه منصور هاشمی خراسانی، احادیث را با ریزبینی خاصی بررسی می‌کند، لطفاً اعتبار و دلالت دو حدیث زیر را بررسی کنید:

۱. امام موسی بن جعفر علیهما السلام فرمود: «مردی از قم، مردم را به سوی حق دعوت می‌کند. با او مردمی گرد می‌آیند که همچون قطعات آهن هستند، آنان را بادهای تند نمی‌لغزاند، از جنگ سست نمی‌شوند و نمی‌هراسند و بر خدای متعال توکل می‌کنند و سرانجام از آن پرهیزکاران است».

۲. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «در طرف راست عرش خدا، قومی از ما بر منبری از نور قرار دارند که چهره‌های آنان از نور است، لباس‌هایشان از نور است، به گونه‌ای که چهره‌های نورانی آنان، چشم ناظران را فرو می‌پوشاند. ابوبکر گفت: ای رسول خدا، اینان چه کسانی هستند؟ پیامبر ساکت ماند، آن گاه زبیر همان سؤال را کرد و پیامبر سکوت کرد، سپس عبد الرحمن همان سؤال را تکرار کرد و باز هم آن حضرت سخنی نگفت. پس علی علیه السلام پرسید: ای رسول خدا، آن‌ها کیستند؟ پیامبر فرمود: <هم قومٌ تحابُّوا بروح الله>; آن‌ها قومی هستند که به وسیله‌ی <<روح الله>> بین آن‌ها پیوند محبت برقرار می‌شود، بدون آنکه نسبت‌های خانوادگی و منافع مادی و امور دنیوی در این محبت و پیوند نقشی داشته باشد. آن‌ها شیعیان تواند و تو امام آن‌ها هستی ای علی!»!

برخی اعتقاد دارند که این دو حدیث درباره‌ی روح الله خمینی بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران است و او را تأیید می‌کند.

پاسخ

تاریخ: ۱۴۰۲/۲/۳۰

کسانی که چنین اعتقادی دارند، بسیار جاهل هستند؛ چراکه حدیث اول اصلی ندارد و حدیث دوم ربطی!

توضیح آنکه منبع حدیث اول، کتاب «بحار الأنوار» نوشته‌ی محمد باقر مجلسی (د. ۱۱۱۱ق) است که یک منبع متأخر و غیر معتبر محسوب می‌شود و آن را از کتاب «تاریخ قم» نوشته‌ی حسن بن محمد بن حسن قمی (د. قرن ۴ق) نقل کرده است که اصل آن موجود نیست و تنها ترجمه‌ای فارسی از آن موجود است که توسط شخصی به نام حسن بن علی بن حسن بن عبد الملك قمی در سال ۸۶۵ قمری نوشته شده؛ چنانکه مجلسی خود در مقدمه‌ی «بحار الأنوار» به این نکته اذعان کرده و نوشته است: «لَمْ يَتَيَسَّرْ لَنَا أَصْلُ الْكِتَابِ، وَإِنَّمَا وَصَلْ إِلَيْنَا تَرْجَمَتُهُ»؛^۱ «اصل کتاب به دست ما نرسیده و تنها ترجمه‌ی آن به ما رسیده» و این یعنی حدیثی که ذکر کرده، ترجمه‌ی عربی او از ترجمه‌ی فارسی حدیثی است که منبع اصلی آن موجود نیست تا بتوان صحت ترجمه‌ی فارسی آن، بلکه اصل وجود آن را تأیید کرد؛ با توجه به اینکه غلط، حذف و اضافه در ترجمه‌ی احادیث، شایع است؛ چنانکه مجلسی خود در ترجمه‌ی ترجمه، مرتکب حذف شده؛ چراکه ترجمه‌ی حدیث در کتاب حسن بن علی بن حسن بن عبد الملك قمی این است:

«دیگر علی بن عیسی حدیث کند، از ایوب بن یحیی بن جندل، از ابو حسن اوّل علیه السلام که او فرمود که خوانندهء مردم را با حق از اهل قم، حق عزّ و جلّ بر دست او طایفهء از مردم جمع کند، همچو پاره‌های آهن باشند و یاران او در آن وقت و در آن روز فرزندان مالک بن عامر باشند، دل‌های ایشان همچون پاره‌های آهن بود، بادهای جهنده ایشان را ببلغزاند و از حرب و جنگ نکول نکنند و باز نه ایستند و بد دل نشوند و بر پروردگار خود توکل نمایند ﴿وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾»^۲.

این ترجمه‌ی فارسی حدیث در کتاب حسن بن علی بن حسن بن عبد الملك قمی است، ولی مجلسی فراز مهمّ «یاران او در آن وقت و در آن روز فرزندان مالک بن عامر باشند» را حذف کرده و نوشته است:

«وَعَنْ عَلِيِّ بْنِ عِيسَى، عَنْ أَيُّوبَ بْنِ يَحْيَى بْنِ الْجَنْدَلِ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ قُمْ يَدْعُو النَّاسَ إِلَى الْحَقِّ، يَجْتَمِعُ مَعَهُ قَوْمٌ كَثِيرٌ الْحَدِيدِ، لَا تَزُلُّهُمْ الرِّيَاحُ الْعَوَاصِفُ، وَلَا يَمْلُونَ مِنَ الْحَرْبِ، وَلَا يَجْبُونُ، وَعَلَى اللَّهِ يَتَوَكَّلُونَ، ﴿وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾»^۳.

بدون شک این حذف، خیانت محسوب می‌شود؛ چراکه از یک سو معنای حدیث را تغییر داده و از سوی دیگر ردّ پای جاعل آن را پوشانده است؛ با توجه به اینکه بنا بر فراز حذف‌شده، از یک سو کسی مانند روح الله خمینی که هیچ ارتباطی با مالک بن عامر اشعری یا فرزندان او نداشته است

۱. بحار الأنوار للمجلسي، ج ۱، ص ۴۲

۲. الأعراف / ۱۲۸

۳. ترجمه‌ی فارسی تاریخ قم نوشته‌ی حسن بن علی بن حسن بن عبد الملك قمی، ص ۱۰۰

۴. بحار الأنوار للمجلسي، ج ۵۷، ص ۲۱۶

نمی‌تواند مصداق حدیث باشد و از سوی دیگر می‌توان دریافت که حدیث توسّط علی بن عیسی اشعری یا وابستگان او جعل شده که از فرزندان مالک بن عامر اشعری و در عین حال، حاکم قم بوده و به اقتضای حاکمیت، یارانی از قوم خود و جنگ‌هایی با دشمنانش داشته است^۱ و متملّقان در مدحش شعرهایی سروده‌اند^۲ و بعید نیست که حدیثی نیز جعل کرده باشند! خصوصاً با توجّه به اینکه در سند حدیث، از کسی جز او و «ایوب بن یحیی بن الجندل» یاد نشده است و در میان راویان حدیث، کسی با نام «ایوب بن یحیی بن الجندل» وجود ندارد!

این چیزی است که می‌دانیم مجلسی از ترجمه‌ی حدیث حذف کرده است، ولی نمی‌دانیم که حسن بن علی بن حسن بن عبد الملک قمی چه چیزی را از متن حدیث حذف کرده است! کافی است که او نیز چیزی را ترجمه نکرده یا غلط ترجمه کرده باشد، تا معنای حدیث از این هم دورتر باشد!

عجیب است که برخی عالمان، تا این اندازه بی‌تقوا هستند که دست به تقطیع و تحریف حدیث می‌زنند، ولی عجیب‌تر آن است که کسانی بدون مراجعه و بررسی، ترجمه‌ی حدیثی جعلی که تقطیع و تحریف شده است را بر روح الله خمینی حمل می‌کنند! آنان به راستی که جاهل هستند؛ خصوصاً با توجّه به اینکه حدیث مذکور، حتّی بدون فراز حذف‌شده نیز، قابل تطبیق بر این شخص نیست؛ زیرا او -بر خلاف وصفی که در آن آمده- مردم را به سوی حق دعوت نکرد، بل به سوی «ولایت مطلقه‌ی فقیه» (یعنی خودش و امثال خودش) دعوت کرد که از بدیهی‌ترین مصادیق باطل است؛ همچنانکه از جنگ نکول کرد و باز ایستاد؛ چراکه صلح را پذیرفت و با این وصف، نمی‌توان او را به صرف آنکه مدّتی در قم تحصیل و اقامت داشت و نسبت به مخالفانش بی‌رحم بود، مصداق این حدیث پنداشت!

اما ربط دادن حدیث دیگر به او، از این هم جاهلانه‌تر است؛ زیرا از یک سو به نظر می‌رسد که مجلسی در نقل آن هم رعایت امانت را نکرده و دست به تحریف زده؛ با توجّه به اینکه منبع او، کتاب «بشارة المصطفی» نوشته‌ی محمد بن ابی القاسم طبری (د. حدود ۵۲۵ق) است و در این کتاب، عبارت «رُوحُ اللَّهِ» نیامده، بلکه عبارت «نُورُ اللَّهِ» آمده است^۳ و از سوی دیگر عبارت «رُوحُ اللَّهِ» در احادیثی که به توصیف مؤمنان پرداخته‌اند، برگرفته از آیه‌ی ۲۲ سوره‌ی مجادله است که در وصف مؤمنان فرموده است: «أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِنْهُ»^۴؛ «(خداوند) ایمان را در دل‌های آنان نوشته و آنان را با روحی از جانب خود تأیید کرده» و روحی از جانب او، «روح القدس» است

۱. بنگرید به: تاریخ الطبري، ج ۸، ص ۶۳۰؛ المستجاد من فعلات الأجواد للتنوشي، ص ۴۵؛ رجال النجاشي، ص ۳۷۱؛ جمهرة أنساب العرب لابن حزم، ص ۳۹۸؛ الكامل في التاريخ لابن الأثير، ج ۵، ص ۵۷۱.
 ۲. به عنوان نمونه، بنگرید به: الكامل في اللغة والأدب للمبرّد، ج ۲، ص ۱۶.
 ۳. بنگرید به: بشارة المصطفی لمحمد بن أبي القاسم الطبري، ص ۲۵۸.
 ۴. المجادلة/ ۲۲



که مؤید مؤمنان است و در برخی احادیث وارد شده که مراد از آن، «روح ایمان» است^۱ و در هر حال، واضح است که ربطی به روح الله خمینی ندارد!

از اینجا دانسته می‌شود که دوستان حکومت ایران، تا چه اندازه جاهل هستند و تا چه اندازه برای مشروعیت بخشیدن به حاکمان منافق خود، بر پیامبر و اهل بیت او دروغ می‌بندند؛ چنانکه گویی به خداوند و روز حساب باور ندارند، یا می‌پندارند که دروغ بستن بر پیامبر و اهل بیت او حلال است! هر چند بیشترشان، مانند گله‌ی گوسفندان و تنها چیزی را تکرار می‌کنند که از شیوخ و سخنرانان حکومتی شنیده‌اند، در حالی که شیوخ و سخنرانان حکومتی، همان شیاطین انسی هستند که خداوند درباره‌ی‌شان فرموده است: ﴿يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ زُخْرَفَ الْقَوْلِ غُرُورًا﴾؛ «سخنان آراسته را برای فریب به یکدیگر إلقا می‌کنند». بدون شک، برای آنان عذاب عظیمی است؛ «روزی که ندا داده می‌شوند: <کجایند ستمکارترین‌ها؟! کجایند کسانی که شیطان را می‌پرستیدند و می‌گفتند که خدا را می‌پرستیم؟! کجایند کسانی که در زمین فساد می‌کردند و می‌گفتند که اصلاح می‌کنیم؟!> پس از درون گورها و چکاد کوه‌ها و بستر دریاها و شکم درندگان و چینه‌دان پرندگان گرد می‌آیند و بر می‌خیزند، در حالی که پوششی بر آنان نیست و روی‌های‌شان سیاه است و مانند گله‌ی بزها به سوی محشر رانده می‌شوند، تا به حسابشان رسیدگی شود، چونان که به حساب احدی رسیدگی نشده باشد! آن گاه آنان را به زنجیر می‌کشند و دسته‌دسته به سقر می‌افکنند و آن دژه‌ای در بُن جهنم است که شیاطین در آن افکنده می‌شوند، پس در آن پوست کنده می‌شوند، مانند مرغ برای بریانی! آن گاه ندا داده می‌شود: <کجایند یاران اینان؟! کجایند کسانی که اینان را در کذب‌شان تصدیق کردند و فرمان بردند؟! کجایند دوستان اینان و دوستان اینان؟!> پس مانند موران از هر سوراخی بیرون می‌آیند، در حالی که زشت‌روی و بدبویند و دل در گلو و جان بر لب دارند، پس به سوی محشر رانده می‌شوند، تا به حسابشان رسیدگی شود؛ نه عذری از آنان شنفته می‌شود و نه شفاعتی برایشان پذیرفته؛ تا آن گاه که به دروازه‌های جهنم می‌رسند و غریو آن را می‌شنوند که گویی بانگ انفجار است و لهییش را حس می‌کنند که گویی کوره‌ی آجرپزان است، پس گریان می‌شوند و نعره سر می‌دهند... پس در میان دود و آتش به آنان می‌پیوندند، در حالی که بر آنان خشمگینند و لعنت‌شان می‌کنند و می‌گویند: <شما ما را به اینجا رساندید، هنگامی که ما را فریفتید و گفتید که از ما پیروی کنید تا خداوند از شما خشنود باشد>. پاسخ می‌دهند: <آیا ما مجبور تان کردیم؟! بلکه با خواست خود از ما پیروی کردید، تا از قدرت و ثروتمان برخوردار شوید و در ستم ما شریک بودید>.

۱. بنگرید به: المحاسن للبرقي، ج ۱، ص ۱۰۶؛ قرب الإسناد للحميري، ص ۳۳ و ۳۴؛ الكافي للكليني، ج ۲، ص ۱۵ و ۲۸۰؛ ثواب الأعمال وعقاب الأعمال لابن بابويه، ص ۲۶۳.
۲. الأنعام / ۱۱۲

پس آتش در میانشان زبانه می کشد و گفتگوی شان را قطع می کند و آوازی بر می خیزد که <لعنت خداوند بر ستمکارترین ها؛ همان ها که بدون اذن خداوند بر کرسی او نشستند و به غیر چیزی که نازل کرده بود، حکم راندند و لعنت خداوند بر پیروان آن ها...>^۱.



پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی
مجلس خبرگان رهبری



۱. فرازی از گفتار ۱۴۲ علامه منصور هاشمی خراسانی آیده الله تعالی

www.alkhorasani.com

پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی



* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.